

به مناسبت بزرگداشت ششصدمین سال درگذشت لغت‌شناس بزرگ مجدالدین فیروزآبادی کنگره بین‌المللی مجدالدین فیروزآبادی صاحب قاموس المحيط از ۱۰ تا ۱۲ شهریور ۱۳۷۸ در شیراز و فیروزآباد برگزار شد.

مجدالدین ابوطاهر محمدبن یعقوب بن ابراهیم فیروزآبادی از دانشمندان بزرگ قرن هشتم فارس بود که در همه دانش‌های اسلامی دارای نظر بود و تالیفاتی داشت، اما بیشتر در واژه‌شناسی نام آور شد.<sup>۱</sup> فیروزآبادی به گونه‌ای که شیخ علامه نورالدین مقدسی حنفی از خط پدر او نقل کرده است، در روز شنبه بیستم جمادی الاولی سال ۷۲۹ قمری در کارزین از توابع فیروزآباد به دنیا آمد.<sup>۲</sup> برخی از زندگی نامه نویسان زادگاه او را به اشتباه کازرون نوشته‌اند. بهترین دلیل، این که خود فیروزآبادی در القاموس المحيط در زیر ریشه «ک رز» کارزین را نام می‌برد و به روشنی می‌گوید: کارزین از شهرهای فارس است و محمدبن حسین قاری مکه و محدثان و عالمان زیادی از آنجا برخاسته‌اند و من خود در آنجا زاده شده‌ام.<sup>۳</sup> زرکلی نیز نخست در العالم به اشتباه زادگاه فیروزآبادی را کازرون می‌نویسد.<sup>۴</sup> ولی بعد متوجه این خطا شده و در مستدرک الثانی الاعلام آن را به کارزین تصحیح می‌کند.<sup>۵</sup> مجدالدین تا هفت سالگی در زادگاه خود پرورش یافت و از چنان حافظه نیرومندی برخوردار بود که در این سال قرآن مجید و دو کتاب از کتابهای لغت را از بر گرد.<sup>۶</sup> مؤلف عقداثمین درباره حافظه او می‌نویسد: در از برکردن مطالب بسیار چالاک بود به گونه‌ای که خود می‌گفت: شب‌ها به خواب نمی‌روم مگر این که پیش از آن دوستان سطر را حفظ کرده باشم.<sup>۷</sup>

#### دوران سیاحت

فیروزآبادی از هشت سالگی در شیراز زیر نظر پدرش و قوام عبدالله بن محمود و دیگر عالمان آنجا به دانش‌اندوزی پرداخت سپس به بغداد، دمشق،

بیت المقدس، مصر رفت و از علمای این دیار همچون تقی‌الدین شبکی دانسته‌های زیادی آموخت.<sup>۸</sup> او در ادامه سفرها در سال ۷۷۰ گام به مکه نهاد، ۵ یا ۶ سال همسایگی خانه خدا را برگزید.<sup>۹</sup> پس از آن به دهلی و روم رفت. در سال ۷۹۴ پادشاه عراق احمد بن اویس جلالی او را به بغداد دعوت نمود و پس از این که مورد بزرگداشت و اگرام وی قرار گرفت به شیراز آمد و امیر تیمور گورکانی را در این شهر دیدار کرد.<sup>۱۰</sup>

سرانجام فیروزآبادی پس از انجام این مسافرت‌های طولانی در رمضان ۷۹۶ از بلاد هند وارد یمن شد.<sup>۱۱</sup> ملک اشرف اسماعیل بن آل عباس، سلطان یمن از او برای اقامت در «زبید» دعوت نمود.<sup>۱۲</sup> زبید به واسطه وجود فیروزآبادی یک کانون مهم علمی گردید و دانشجویان از هر سو برای بهره‌گیری از محضر ایشان به آن شهر روی نهادند. ملک اشرف خود نیز در سلک شاگردان او درآمد.<sup>۱۳</sup> پس از گذشت ۱۴ ماه از اقامت او در یمن در یکم ذی‌الحجه سال ۷۹۷ ملک اشرف منصب قاضی القضاتی کل یمن را به او واگذار نمود. وی این سمت را به مدت ۲۰ سال واندی تا پایان زندگی خود در دست داشت.<sup>۱۴</sup> او در این مدت از هر جهت مورد بزرگداشت امیر بود و دخترش را که زیبایی دلغریبی داشت به ازواج امیر اسماعیل درآورد. فیروزآبادی رفته رفته موقیعت ویژه‌ای پیدا کرد و کتابی به نام امیر ملک اشرف نگاشت و طبق‌های پر از نقره از سوی وی جایزه گرفت.<sup>۱۵</sup>

به هر حال فیروزآبادی ۲۰ سال واپسین زندگی خویش را در «زبید» گذرانید و در این مدت تنها چند بار برای انجام فریضه حج به حجاز رفت و اقامت کوتاهی در مکه، مدینه و طائف نمود. او سرانجام در شب سه شنبه بیستم شوال سال ۸۱۷ در «زبید» زندگی را بدرود گفت.<sup>۱۶</sup>

#### استعداد سرشار

از مواهبی که خداوند به فیروزآبادی عنایت فرمود این بود که تا پایان زندگی نیروی شنوایی و بینایی‌اش سالم و توانمند مانده بود و دقیقاً پیش از مرگ نوشته‌ها

را به آسانی می‌خواند.<sup>۱۷</sup>

فیروزآبادی از دانش و دانستی‌های فراوانی برخوردار بود و به گفته نویسنده شقایق النعمانیه در به یاد سپاری و داشتن آگاهی و نوشته‌ها نمونه بود.<sup>۱۸</sup> اینها همه مرهون عشق و دلبستگی او به فراهم‌آوری و مطالعه کتب مختلف علمی بوده است.

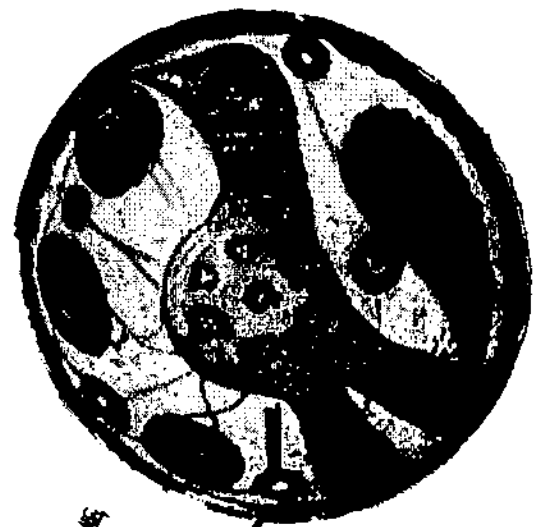
وی در مسافرت‌ها با چندین شتر کتاب‌های بسیاری با خود حمل می‌نمود و در هر منزلی که وارد می‌شد آن بارها را می‌گشود و به خواندن کتب سرگرم می‌شد و باز به هنگام حرکت به جای خود برمی‌گرداند و چون به واسطه بخشش‌ها و پیشکش‌های فرمانروایان توانگر بود از این رو مبالغ گزافی را صرف خرید کتاب‌های گوناگون می‌نمود، به گونه‌ای که خود می‌گفت: یک بار به بهای پنجاه هزار مثقال زر، کتاب خریدم.<sup>۱۹</sup> فیروزآبادی دارای خود را در کارهای عام‌المنفعه نیز به کار می‌گرفت؛ چنان که خانه خود را در مکه به مدرسه تبدیل کرد و آموزش‌دهندگانی برآن گماشت و در مدینه نیز مدرسه‌ای همانند آن برپا نمود.<sup>۲۰</sup>

با مسافرت به بسیاری از کشورهای شرق و غرب آن روزگار و دیدار با عالمان و دانشمندان آن دیار در دانش‌های گوناگون تحصیل و کاردانی مورد نیاز را بدست آورد. به ویژه در لغت و تفسیر و حدیث، مرجع روزگار خود گردید.<sup>۲۱</sup> اما شیخ مجدالدین در میان همه دانش‌هایی که فرا می‌گرفت به فن لغت دلبستگی و گرایش ویژه‌ای داشت. این دلبستگی را از همان دوران کودکی در او می‌توان دید. همین گرایش طبیعی باعث شد که بیشتر زمان خود را در تکمیل این فن به کاریند.<sup>۲۲</sup> و به جایگاهی رسد که سرآمد همه هم‌دوران خود گردد و از بزرگمردان قرن هشتم به شمار آید. نویسنده شقایق النعمانیه در این باره گوید: مجدالدین واپسین دانشمندی است از بزرگان قرن هشتم که هر یک در دانش ویژه سر رشته داشته‌اند.<sup>۲۳</sup>

به نوشته سخاوی، فیروزآبادی شاعرو نثرنویس و در روزگار خودش در نظم و نثر فارسی و عربی بی‌همتا بود.<sup>۲۴</sup> فاسی نیز در این باره می‌نویسد: فیروزآبادی شعر بسیار می‌گفت و آگاه به فنون شعر و ادب و حکایات بود با

بنیادفارس شناسی

# لغت شناس بزرگ



این وجود در شعر، واژه‌های ناآشنا به کار می‌برد که این باعث می‌شد بیت‌های آن نامیزان شود. البته با آن که وی همواره مطلب را با شتاب می‌نوشت بسیار خوش خط بود.<sup>۲۵</sup>

متأسفانه چون وی بیشتر زندگیش را در کشورهای عربی زبان سپری کرده است از نوشته‌های فارسی او چیزی در دست نیست. از اشعار عربی او هم مگر اندکی که در برخی کتاب‌های ادب و تاریخ نقل شده است چیزی نمانده است و اگر هم مانده باشد در یمن و حجاز نگهداری می‌شود و در دسترس نیست.

### استادان و شاگردان صاحب قاموس

استادانی که فیروزآبادی در مسافرت‌های خود به خدمت آنها رسیده و کتاب‌های گوناگون را از آنها شنیده است بسیارند و نام‌های برخی از آنان برای نمونه از این قرار است:

شیخ سراج‌الدین یعقوب بن محمد فیروزآبادی پدر مجدالدین که به وی ادب و لغت آموخته است، قاضی شرف عبدالله بن بکیتاش، ابن قیم ضیائیه، محمدبن اسماعیل حموی، صلاح‌الدین خلیل بن کیکلدی، تقی‌الدین سبکی، محمدبن ابراهیم بیانی، محمدبن اسماعیل ابن خباز و ابن تونسلی و...<sup>۲۶</sup>

فیروزآبادی به هنگام مسافرت در هر شهری که توقف می‌کرد گروه بی‌شماری از جویندگان دانش و ادب در حلقه درس او آماده می‌شدند و از دانش‌های سرشار او بهره‌مند می‌شدند. بسیاری از شاگردانش، خود از برترین دانشمندان و عالمان والا مقام بوده‌اند. از جمله می‌توان از این افراد یاد نمود:

حافظ سخاوی نویسنده الضوء اللامع، حافظ‌ابوالفضل ابن حجر عسقلانی دارای کتاب‌های انباء‌الغمر و معجم، صلاح‌الدین صفدی مؤلف الوافی بالوفیات، بهاء‌الدین عبدالله مشهور به ابن عقیل نگارنده شارح الفیه و...<sup>۲۷</sup>

### نگاشته‌ها

نوشته‌های فیروزآبادی کتاب‌ها و نگاشته‌هایی

است که از وی به یادگار مانده و برخی از آنها بسیار نامدار است. نویسندگانی که درباره فیروزآبادی پژوهش کرده‌اند، شمار نگاشته‌های وی را به چند گونه یاد کرده و نام برخی از آنها را به شکل‌های گوناگون نوشته‌اند. آنچه روی هم رفته از نوشته‌های آنها دریافت می‌شود این است که شمار نوشته‌های او از پنجاه کمتر نبود. و برخی از این نگاشته‌ها خود را برگزیده چندین مجلد بوده است، نام بردن نوشته‌ها از تحمل این مختصر بیرون است. بنابراین تنها به گونه‌ای فشرده از دسته‌بندی آنها یاد می‌شود.

نگاشته‌های فیروزآبادی را براساس موضوع به چهار دسته می‌توان تقسیم کرد:

#### بخش نخست:

کتاب‌ها و رسایی که در لغت و دیگر فنون ادب نگاشته است و چون در زمینه ویژه او بوده، مهمترین نوشته‌های وی را در برمی‌گیرد، مانند القاموس المحیط در لغت عرب و کتاب‌هایی در موضوع‌هایی مانند: فهرست واژه‌های عربی که به سین و شین هر دو وارد شده است، نام‌های گوناگون شمشیر، زندگی‌نامه پادشاهانی که اسماعیل نام داشته‌اند، آیات و احادیث و گفته‌های عالمان درباره شراب و نام‌های آن و غیره.

#### بخش دوم:

کتاب‌ها و رسایی که در تفسیر قرآن یا لطایف آن نگاشته است مانند بصائر ذوی التمییز، توبیرالمقیاس فی تفسیر ابن عباس، تفسیر سوره فاتحه، شرح سوره اخلاص و...

#### بخش سوم:

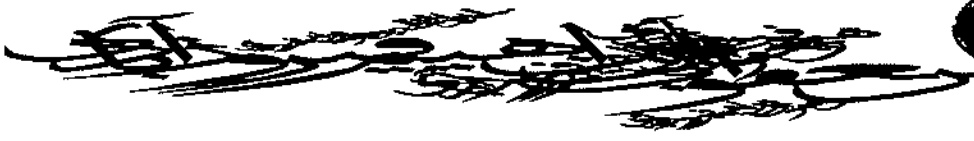
نوشته‌های او درباره دانش حدیث و فقه که مهمترین آنها منح الباری بالشیخ الفسیح المجاری در شرح صحیح بخاری است که جز یک چهارم از آن را شرح نکرده است و همین خود در برگزیده ۲۰ مجلد است و اگر به پایان می‌رسید نزدیک به ۴۰ جلد می‌شد.

#### بخش چهارم:

کتاب‌هایی است که در گستره تاریخ و جغرافیا و زندگی نامه نامداران نگاشته است مانند: البلغنه



نگاشته‌ها علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



فی تراجم اثمة النحاه واللغة، نزهة الازهان فی تاریخ اصصیهان، المغنم الطابه فی فضایل طابه، الوصل والمنی فی فضایل منی، روضة الناظر فی ترجمه الشیخ عبدالقادر و... ۲۸

اما نام آورترین نوشته فیروزآبادی که سرچشمه آوازه او در سراسر جهان شد کتاب قاموس المحيط در لغت عربی است که دانشوران آن را به گونه فشرده قاموس می نامند. فیروزآبادی قاموس المحيط را در روزهای اقامت در حجاز و همسایگی حرم خدا در سرای خود در صفا نگاشت. ۲۹ و آن را به بخش ها و باب های گوناگونی بخش بندی نمود و حرف آخر ریشه واژه را مینا برگزید. به نوشته رضاناظمیان نوآوری دیگری وی این بود که برای نخستین بار در فرهنگ واژگان عربی از نمادها و نشانه ها بهره برد. ۳۰

کتاب قاموس از دیدگاه فراگیری بر همه کتاب هایی که تا روزگار فیروزآبادی نوشته شده بود برتری داشت. فاسی در این باره می نویسد: القاموس المحيط در سنجش با کتاب های دیگر واژه شناسی که بتوان به آنها اعتماد کرد مانند صحاح و دیگر موارد، مطالب بیشتری دارد و این سرچشمه بی همتایی آن در میان کتاب های واژه شناس است. ۳۱ زبیدی در تاج العروس گوید: صحاح صحیح ترین واژه نامه هاست و با این وجود چهل هزار ریشه را در بر ندارد و قاموس با دارا بودن ۶۰ هزار ریشه خوش بیان تر از لسان العرب است که هشتاد هزار ریشه را گردآورده است. ۳۲

این کتاب از همان روزگار نویسنده مورد بهره گیری قرار گرفته و همواره عالمان و دانشمندان در شرح و حاشیه نویسی ها از آن بهره برده اند. از این گذشته، کتاب قاموس به زبان های گوناگون فارسی و ترکی و غیره برگردانیده شده است و دسته ای از عالمان و دانشمندان در صدد شرح مشکلات و برخی در صدد فشرده نمودن

آن برآمده اند. برخی هم به کاستی های آن پی برده و در نقد آن کتاب و مقاله نوشته اند. کوتاه سخن آن که قاموس یگانه کتاب واژه شناسی عربی است که در زمینه آن کتابها و رسایل بسیار نگاشته شده است.

این گفتار را با سخنی از سلطانی سلطانی به پایان می بریم: «فیروزآبادی درگذشت ولی آثار علمی و ادبی او جاودان ماند و تا آن آثار باقی است، نام این دانشمند بزرگ از صفحه جهان محو نخواهد شد.» ۳۳

- منابع و مآخذ
- ۱) میر، محمدتقی، بزرگان نامی پارس، جلد اول، چاپ اول، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۶۸، ص ۳۹۷.
  - ۲) السیوطی، عبدالرحمن جلال الدین، المعزهر فی علوم اللغة و انواعها، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، الجزء الاول، عیسی البابی الطبلی و شرکاء، ص ۲۳۷.
  - ۳) الفیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ هـ، ص ۴۷۰.
  - ۴) الزرکلی، خیرالدین، الاعلام، الطبعة الثالثة، الجزء الثامن، مصر ۱۳۸۹ هـ، ص ۱۹.
  - ۵) مستدرک الثانی الاعلام، ص ۲۳۷.
  - ۶) التوکانی، شیخ الاسلام محمد بن علی، البدر الطالع، الطبعة الاولى، مصر: مطبعة السعاده، ۱۳۳۸ هـ، الجزء الثانی، ص ۲۸۰، نیز: الضوء اللامع، جلد ۱۰، ص ۲۶.
  - ۷) الفاسی، تقی الدین محمد بن احمد الحسینی، العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، تحقیق فوادید، الجزء الثانی، مؤسسه الرساله، ص ۳۷۹، نیز: بغیة الوعاة، جلد اول، ص ۲۳۷.
  - ۸) الضوء اللامع، جلد ۱۰، ص ۸۰-۷۹، نیز: تاریخ ادب العربی، جلد ۳، ص ۸۲۹.
  - ۹) عقد الثمین، جلد ۲، ص ۳۹۸.
  - ۱۰) عمر فروخ، تاریخ الادب العربی، الجزء الثالث، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۹۲ هـ، ص ۸۲۹.
  - ۱۱) السخاوی، شمس الدین محمد عبدالرحمن، الضوء اللامع، الجزء العاشر، بیروت: دارمکتبه الحیاة، ص ۸۱ و نیز: عقد الثمین، جلد ۳، ص ۳۹۸.
  - ۱۲) فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، بصائر ذوی

- الشمیز، تحقیق استاد محمدعلی النجار، الجزء الاول، قاهره: المجلس الاعلی للثقون الاسلامیة، ۱۳۸۳ هـ، ص ۱۵ و ۱۹.
- ۱۳) البدر الطالع، جلد ۲، ص ۲۸۱.
  - ۱۴) الضوء اللامع، جلد ۱۰، ص ۸۱.
  - ۱۵) الخونساری، میرزا محمدباقر، روضات الجنات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، الجزء الثامن، قم: مکتبه اسماعیلیان، ۱۳۹۱ هـ، ص ۱۰۱.
  - ۱۶) عقد الثمین، جلد ۲، ص ۳۰۰.
  - ۱۷) عقد الثمین، جلد ۲، ص ۳۰۰.
  - ۱۸) الطاهر کبیری زاده، الشقایق النعمانیة فی علماء الدولة العثمانیة، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۹۵ هـ، ص ۲۱.
  - ۱۹) السیوطی، عبدالرحمن جلال الدین، بغیة الوعاة، تصحیح محمدایمن الخانجی، طبعه الاولی، الجزء الاول، مصر: مطبعة السعاده، ۱۳۲۶ هـ، ص ۷۳-۷۲.
  - ۲۰) الضوء اللامع، جلد ۱۰، ص ۸۱.
  - ۲۱) الاعلام، جلد ۸، ص ۱۹.
  - ۲۲) عقد الثمین، جلد ۲، ص ۳۹۴.
  - ۲۳) شقایق النعمانیة، ص ۲۲.
  - ۲۴) الضوء اللامع، جلد ۱۰، ص ۸۳.
  - ۲۵) عقد الثمین، جلد ۲، ص ۳۹۷.
  - ۲۶) در این زمینه رجوع کنید به الضوء اللامع، جلد ۱۰ ص ۸۰-۸۱ و عقد الثمین، جلد ۲، ص ۳۹۴.
  - ۲۷) در این زمینه رجوع کنید به الضوء اللامع، جلد ۱۰ ص ۸۶-۸۰ و دانشمندان و سخن سرايان فارس، جلد ۴، ص ۱۵۸.
  - ۲۸) الضوء اللامع، جلد ۱۰، ص ۸۳-۸۱ و نیز: عقد الثمین، جلد ۲، ص ۳۹۷-۳۹۵.
  - ۲۹) القاموس المحيط، ص ۱۷.
  - ۳۰) رضاناظمیان «واژه نامه نویسی در زبان عربی» کیهان فرهنگی شماره ۵ (۱۳۷۷)، ص ۱۰۳.
  - ۳۱) عقد الثمین، جلد ۲، ص ۳۹۴.
  - ۳۲) مقدمه لغت نامه دهخدا، ص ۳۳۲.
  - ۳۳) همان، ص ۲۵۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مجله علمی-ادبی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
مجله علمی-ادبی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
مجله علمی-ادبی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
مجله علمی-ادبی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
مجله علمی-ادبی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
مجله علمی-ادبی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی